

این نشریه انعکاس دانشجویان است
گاهنامه فرهنگی - اجتماعی انعکاس
انجمن اسلامی علوم پزشکی هرمزگان
شماره ۱۹ - بهار ۱۴۰۴



«هنر، تجلی سلوک»

ویژه نامه شهادت سید مرتضی آوینی

سخن سردبیر

راهی که ادامه دارد

بیستم فروردین ماه، روزی است که یاد و خاطره‌ی مردی بزرگ و اندیشمند را زنده می‌کند؛ سید مرتضی آوینی، هنرمند متعهد و حقیقت‌جویی که با قلم و جان خویش، در مسیر حقیقت گام برداشت و حقیقت را از میان غبار تحریف بیرون کشید و روایتگر صحنه‌هایی شد که امروز سرمایه‌ی ماندگار فرهنگی ما هستند. این ویژه‌نامه تلاشی است برای بازخوانی اندیشه، مجاهدت و میراث فرهنگی شهید آوینی؛ مردی که هنر را از سطح ظاهری فراتر برد و به ساحت تعهد و ایمان رساند. در این شماره، نگاهی خواهیم داشت به زندگی و سیر تحول فکری شهید آوینی؛ از روزهای جوانی و دغدغه‌های فکری تا آن هنگام که مستندسازی و هنر را در مسیر انقلاب اسلامی معنا کرد. بی‌تردید، یکی از درخشان‌ترین خدمات آوینی، نقشش در مستندسازی دفاع مقدس بود. «روایت فتح» تنها ثبت‌کننده‌ی لحظات جنگ نبود، بلکه آینه‌ای بود که روح ایمان، ایشار و مقاومت رزمندگان را انعکاس می‌داد. او روایتگر حقیقتی شد که دشمنان می‌خواستند به فراموشی سپرده شود. از آن

*بسم الله الرحمن الرحيم

انعکاس — ۱۹

ویژه نامه شهادت سید مرتضی آوینی

«هنر، تجلی سلوک»

این نشریه انعکاس دانشجویان است

صاحب امتیاز:

فاطمه جاویدپور

مدیر مسئول و سردبیر:

حدیثه بادپیما

هیئت تحریریه:

حدیثه بادپیما، فاطمه زهرا بالنکی، سید حسین حسینی

ویراستار:

فاطمه جاویدپور

طراح و صفحه آرا:

زهرا صابری

انتشار بهار ۱۴۰۴

مرکز پژوهش‌های کارکن
سپهر آری



فهرست

سخن سردبیر	۲
از سراب روشنفکری تا حقیقت ناب	۴
آزادی عقیده	۶
میراثِ آوینی	۷
تجدد یا تحجر؟	۸
قدس تکلیفِ ناتمام امت	۱۰
ارتش متحد اسلامی	۱۱
معرفی مستند	۱۲

جا که شهید آوینی، تمام لحظه‌های عمر با برکت خود را به ویژه پس از انقلاب اسلامی، در مسیر به فعلیت رساندن ارزش‌ها و احکام اسلامی در قالب هنر صرف کرد و به حق در این راه خدمات ارزنده کم‌نظیری را در عرصه‌های گوناگون و گسترده هنر و اندیشه از خود به یادگار گذاشت، سالروز شهادت این هنرمند فرزانه، به عنوان روز هنر انقلاب اسلامی نامیده شده است. امید که در حد توان، بکوشیم اندیشه‌های راهگشای این هنرمند متعهد اسلامی را، بازشناسی کرده و به نسل کنونی منتقل کنیم. این ویژه‌نامه ادای دینی است به مردی که با قلمش جهاد کرد و با خونش در مسیر حقیقت جاودانه شد. امید داریم که مطالعه‌ی آن، چراغی باشد برای درک بهتر مسیر پر افتخار انقلاب اسلامی و مسئولیت‌های ما در قبال آن. راه آوینی ادامه دارد؛ در قلم‌های بیدار، در نگاه‌های حقیقت‌جو و در وجدان‌های آگاه.





از سراب روشنفکری تا حقیقت ناب

♦ حدیثه بادپیما، دانشجوی پرستاری ۱۴۰۰

به طوری که شهید آوینی در معرفی خودش می‌گوید: «تصور نکنید که من با زندگی به سبک و سیاق متظاهران به روشنفکری ناآشنا هستم، خیر، من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. من هم سال‌های سال در یکی از دانشکده‌های هنری درس خوانده‌ام، به شب‌های شعر و گالری‌های نقاشی رفته‌ام. موسیقی کلاسیک گوش داده‌ام. ساعت‌ها از وقتم را به مباحثات بیهوده درباره چیزهایی که نمی‌دانستم گذرانده‌ام. من هم سال‌ها با جلوه‌فروشی و تظاهر به دانایی بسیار زیسته‌ام. ریش پروفسوری و سبیل نیچه‌ای گذاشته‌ام و کتاب «انسان تک ساختی» هربرت مارکوز را بی‌آنکه آن زمان خوانده باشم طوری دست گرفته‌ام که دیگران جلد آن را ببینند و پیش خودشان بگویند: «عجب! فلانی چه کتاب‌هایی می‌خواند، معلوم است که خیلی می‌فهمد.»... اما بعد خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچار شده‌ام روبرایستی را نخست با خودم و سپس با

سید مرتضی آوینی نامی است که با مستندهای جنگ، اندیشه‌های انقلابی و قلمی نافذ در تاریخ فرهنگ و هنر ایران جاودانه شده است. اما او چگونه به اندیشمندی عمیق در مسیر انقلاب اسلامی تبدیل شد؟ این پرسشی است که بررسی زندگی و تحول فکری شهید، پاسخی جذاب و خواندنی برای آن فراهم می‌کند. سید مرتضی آوینی در سال ۱۳۲۶ در شهر ری متولد شد. از کودکی نبوغ و ذوق هنری‌اش مشهود بود. در نوجوانی به سراغ ادبیات، شعر، فلسفه و نقاشی رفت و سرانجام در دانشگاه تهران، رشته‌ی معماری را برای تحصیل برگزید. اما این تنها آغاز راهی بود که او را به قلمرو اندیشه‌های عمیق‌تر سوق می‌داد. در دوران دانشجویی، غرق در فضای روشنفکری و هنر مدرن شد. اما این شور و اشتیاق به تدریج با یک نارضایتی درونی همراه شد. گویی چیزی در این دنیای فکری برایش کافی نبود. این آغاز جست‌وجوی حقیقتی بزرگ‌تر بود.



دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که تظاهر به دانایی هرگز جایگزین دانایی نمی‌شود، و حتی از این بالاتر دانایی نیز با تحصیل فلسفه حاصل نمی‌آید. باید در جست‌وجوی حقیقت بود و این متاعی است که هرکس به راستی طالبش باشد، آن را خواهد یافت، و در نزد خویش نیز خواهد یافت. و حالا از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم نباید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هرچه آموخته‌ام از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر...»

در حقیقت انقلاب اسلامی، نقطه‌ی عطف زندگی شهید آوینی بود. او با دیدن حقیقت انقلاب، مسیری جدید یافت. قلمش، دوربینش و اندیشه‌هایش را در خدمت این تحول بزرگ قرار داد. هنر را از مفاهیم انتزاعی به عرصه‌ی عمل کشاند و شروع به ثبت لحظات ناب انقلاب و دفاع مقدس کرد. با آغاز جنگ تحمیلی، آوینی دوربین را به دست گرفت و همراه با رزمندگان به خط مقدم رفت. شهید آوینی در سال‌های پایانی

عمرش، به‌عنوان یکی از متفکران برجسته‌ی انقلاب، به نقد مدرنیته و غرب‌زدگی پرداخت. او معتقد بود که تمدن غرب با وجود پیشرفت‌های ظاهری، درون‌مایه‌ای تهی از معنا دارد و راه نجات جوامع اسلامی، بازگشت به هویت دینی و اصیل خود است. آثار مکتوب او مانند «توسعه و مبانی تمدن غرب» از همین نگاه عمیق حکایت دارد. سرانجام در ۲۰ فروردین ۱۳۷۲، زمانی که برای تهیه مستندی از مناطق عملیاتی به فکه رفته بود، بر اثر انفجار مین به شهادت رسید. اما شهادت برای آوینی پایان نبود، بلکه آغاز جاودانگی‌اش شد. او همچنان در اندیشه‌ها، فیلم‌ها و کتاب‌هایش زنده است و نسل‌های بعدی را به تفکر و حرکت در مسیر حقیقت دعوت می‌کند.

شهید آوینی فقط یک مستندساز یا نویسنده نبود؛ او یک حقیقت‌جو بود که مسیرش را از تاریکی به سوی نور یافت. زندگی‌اش نشان می‌دهد که چگونه یک انسان می‌تواند در جست‌وجوی حقیقت، مسیر فکری خود را متحول کند و به قله‌های بصیرت و معرفت برسد. زندگی او، دعوتی است برای همه‌ی ما که در دنیای پرهیاهوی امروز، حقیقت را گم نکنیم.

آزادی عقیده

◆ چکیده‌ای از مقاله شهید

متن حاضر، خلاصه‌ای از مقاله مشهور شهید سید مرتضی آوینی با عنوان «آزادی عقیده» است. در این مقاله، شهید آوینی به نقد و بررسی مفهوم آزادی عقیده از منظر دینی و غربی پرداخته و تفاوت‌های بنیادین این دو دیدگاه را شرح می‌دهد. شهید آوینی مقاله را با طرح این پرسش آغاز می‌کند که آزادی چیست و آزادی عقیده چه معنایی دارد. او بیان می‌کند که مفهوم آزادی در جهان مدرن، ریشه در تفکر لیبرالیسم دارد و برخاسته از نگاه اومانیستی به انسان است؛ نگاهی که انسان را محور حقیقت می‌داند، نه عبد حقیقت. در مقابل، اسلام آزادی را در چارچوب عبودیت الهی تعریف می‌کند و آن را وسیله‌ای برای رسیدن به کمال و حقیقت می‌داند، نه هدفی مستقل. او با نقد مفهوم آزادی عقیده در جهان غرب، معتقد است که این نوع آزادی، به دلیل فقدان مبنای حقیقت مطلق، ناچار به نسبی‌گرایی می‌انجامد. در چنین نظامی، باطل نیز مانند حق می‌تواند آزادانه مطرح شود، که این مساوات میان حق و باطل، در منطق اسلامی مردود است. از دید آوینی، آزادی عقیده در غرب بیشتر به آزادی گمراهی شبیه است تا آزادی برای رسیدن به حقیقت. شهید آوینی تأکید می‌کند که در اسلام، انسان دارای اختیار است و می‌تواند راه حق یا باطل را برگزیند، اما این اختیار به معنای «آزاد بودن عقیده» از نظر ارزشی نیست. او تصریح می‌کند که در منطق اسلام، اگرچه کسی ممکن است کفر بورزد، اما این به معنای مشروع بودن و مقبولیت اجتماعی آن عقیده نیست. در ادامه، آوینی بیان می‌کند که آزادی در اسلام ذیل حقیقت

تعریف می‌شود. یعنی تنها در صورتی آزادی معنادار است که به سوی حقیقت هدایت کند. آزادی‌ای که منجر به گمراهی شود، از منظر دینی نه تنها بی‌ارزش است، بلکه زیان‌بار و ناپسند است. او تأکید می‌کند که در جامعه اسلامی، باید میان «حق آزادی» و «آزادی حق» تفاوت قائل شد. شهید آوینی در این مقاله به وضوح روشن می‌سازد که در حکومت اسلامی، آزادی عقیده نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که امنیت فکری جامعه و نظام ارزشی آن را تهدید کند. او معتقد است که اگر عقیده‌ای اساس جامعه دینی را زیر سؤال ببرد یا درصدد تخریب بنیان‌های ایمانی مردم باشد، دیگر نمی‌توان از آزادی عقیده برای توجیه آن استفاده کرد. او با نگاهی نقادانه به برخی جریان‌های روشنفکری داخلی، آنها را متأثر از تلقی غربی از آزادی می‌داند. به عقیده آوینی، روشنفکران سکولار آزادی عقیده را حتی فراتر از اخلاق و دین می‌خواهند، در حالی که در تمدن اسلامی، اخلاق و وحی معیار سنجش درستی یا نادرستی عقیده‌اند. آوینی با اشاره به تاریخ پیامبران، نشان می‌دهد که آنان مأمور هدایت بوده‌اند و هیچ‌گاه نسبت به عقاید باطل سکوت نکرده‌اند. حتی در مواردی با انحرافات فکری مبارزه کرده و اجازه نشر آزادانه افکار باطل را نداده‌اند، زیرا هدف آنان هدایت مردم به سوی نجات و حقیقت بوده است. در پایان مقاله، آوینی تأکید می‌کند که آزادی عقیده در منطق اسلام امری مشروط است، نه مطلق. این آزادی تا جایی پذیرفته است که در جهت رشد، هدایت و دستیابی به حقیقت باشد. اسلام آزادی را برای تعالی انسان می‌خواهد، نه برای رهاشدگی از هر قید و بند. بنابراین، جامعه دینی باید از گسترش افکار باطل به نام آزادی جلوگیری کند و مسیر رشد معنوی را برای انسان‌ها هموار سازد.



میراثِ آوینی

فاطمه زهرا بالنگی، دانشجوی پرستاری ۱۴۰۲

شهید سید مرتضی آوینی را می‌توان از پیشگامان مستندسازی دفاع مقدس دانست؛ هنرمندی که با قلم و دوربین خود، نه تنها وقایع جنگ تحمیلی را ثبت کرد، بلکه روحیه ایثار و معنویت رزمندگان را نیز به تصویر کشید. آثار او، فراتر از مستندهای معمولی، روایت‌هایی هستند که از دل واقعیت جوشیده‌اند و نگاهی عمیق به ابعاد انسانی و الهی جنگ دارند. در میان تمامی آثار او، مجموعه مستند «روایت فتح» به عنوان شاخص‌ترین اثر وی، نقشی بی‌بدیل در ماندگار ساختن خاطرات دفاع مقدس ایفا کرده است.

با آغاز جنگ تحمیلی، شهید آوینی و گروهی از مستندسازان جوان و انقلابی، تصمیم گرفتند حقایق جبهه را به تصویر بکشند. آن‌ها با کمترین امکانات اما با روحیه‌ای قوی و اراده‌ای استوار، راهی خطوط مقدم شدند تا صحنه‌هایی

ناب و واقعی از مقاومت رزمندگان را ثبت کنند. نتیجه این تلاش‌ها، تولد «روایت فتح» بود؛ مجموعه‌ای که بعدها به یکی از ارزشمندترین مستندها تبدیل شد. روایت فتح تنها یک مستند نبود؛ بلکه دریچه‌ای بود که مخاطبان را به قلب جبهه‌ها می‌برد. آوینی با زبان شاعرانه خود و تصاویری که از دل واقعیت استخراج شده بود، جنگ را نه به عنوان صحنه‌ای از ویرانی، بلکه به مثابه تجلی ایمان و مقاومت به تصویر کشید. قاب‌های او، چهره‌های خسته اما مصمم رزمندگان را نشان می‌داد؛ جوانانی که با لبخند، پا به میدان جنگ می‌گذاشتند و از جان خویش برای آرمانی مقدس می‌گذشتند. این مجموعه به نوعی یک سفر معنوی به عمق جنگ است که در آن، مخاطب با احساسات و دغدغه‌های رزمندگان آشنا می‌شد و در کنار آن به ارزش‌های انسانی و اسلامی آن‌ها پی

تجدد یا تحجر؟

◆ چکیده‌ای از مقاله شهید

مرتضی آوینی، به بررسی و نقد دو مفهوم «تجدد» و «تحجر» می‌پردازد که به‌طور گسترده در جامعه‌ی ما مطرح شده‌اند. آوینی در این مقاله، به تحلیل این دو رویکرد می‌پردازد و به دنبال این است که نشان دهد چگونه این دو رویکرد می‌توانند باعث انحراف در جامعه و ارزش‌های اسلامی شوند. او از یک سو به تحجر (کج‌فهمی از سنت‌ها و انجماد در تفکر) و از سوی دیگر به تجدد (پذیرش غربی‌سازی و تضعیف اصول فرهنگی و دینی) اشاره می‌کند و تداخل میان این دو را تحلیل می‌کند. این مقاله به‌طور کلی نقدی بر نحوه‌ی برخورد جامعه با اندیشه‌های جدید و در عین حال تأکید بر ضرورت بازگشت به اصول و ارزش‌های اصیل اسلامی است. شهید آوینی در ابتدا به سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست با انجمن اسلامی دانشگاه تهران اشاره می‌کند که در آن، برخی از سخنان وزیر را تحلیل و نقد می‌کند. او این سخنان را به‌نوعی بی‌صدافتی در مقابل مسائل مهم فرهنگی و اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید در عرصه‌ی عمومی به‌طور شفاف و صادقانه نسبت به موضوعات مختلف نظر داد. آوینی از ریاکاری‌ها و مصلحت‌اندیشی‌هایی که به‌ویژه در میان برخی از مسئولان دیده می‌شود، انتقاد کرده و از این مسئله گله دارد که چرا در بحث‌های فرهنگی و اجتماعی، صداقت و شجاعت کمتری در اظهار نظرها دیده می‌شود. این مسئله، از نظر آوینی باعث

می‌برد

راز ماندگاری آثار آوینی در نگاه متفاوت او نهفته است. او جنگ را با نگاهی فراتر از گلوله و خاکریز روایت کرد. این رویکرد باعث شد تا آثار او نه تنها در ایران بلکه در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. آوینی با استفاده از مصاحبه‌ها و روایت‌های شخصی به بازسازی لحظات تاریخی پرداخت و احساسات عمیق انسانی را در دل مخاطب زنده کرد. در آثارش حقیقتی الهام‌بخش به تصویر کشیده شد و مستندهای او از اغراق به دور بودند، اما چنان تأثیرگذار که بیننده را درگیر می‌کردند. او نه فقط دوربین، بلکه دل خود را به میدان جنگ برد و این صداقت، آثارش را جاودانه کرد. مقام معظم رهبری، همواره بر اهمیت مستندسازی جنگ تأکید کرده‌اند و روایت فتح را اثری بی‌بدیل در این زمینه دانسته‌اند. ایشان این مستند را نه فقط ثبت یک واقعه، بلکه سرمایه‌ای فرهنگی برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل‌های آینده می‌دانند. تأکید ایشان بر حفظ این میراث، نشان‌دهنده جایگاه والای آن در تاریخ معاصر ایران است. شهید آوینی نه فقط یک مستندساز، بلکه یک متفکر و هنرمندی بود که با قلم و دوربینش، حقیقت جنگ را روایت کرد. او نشان داد که جنگ تنها یک میدان نبرد نیست؛ بلکه عرصه‌ای است که در آن انسانیت، ایمان و عشق به وطن معنا می‌یابد. امروز، نام آوینی همچنان زنده است، چراکه آثارش هنوز هم قلب‌ها را به تپش درمی‌آورند و روحیه‌ای از مقاومت و امید را در نسل‌های جدید زنده نگه می‌دارند.

می‌شود که جامعه از رسیدن به فهم عمیق‌تری از مسائل باز بماند. آوینی در ادامه مقاله بر لزوم صداقت و شجاعت در بیان نظرات تأکید می‌کند. به نظر او، صداقت و شجاعت نه تنها موجب تقویت گفتمان عمومی و جامعه می‌شود، بلکه زمینه‌ساز تضارب آرا و در نتیجه پیشرفت در عرصه‌ی اندیشه و عمل است. او معتقد است که در محیط‌های فرهنگی و اجتماعی باید به‌طور شفاف به مسائل پرداخته و از مصلحت‌اندیشی‌های ریاکارانه پرهیز کرد. زیرا در غیر این صورت، جامعه از فهم حقیقت و اصلاحات اساسی خود باز خواهد ماند. آوینی بر این باور است که بی‌صداقتی در بیان نظریات نه تنها به نفع فرد یا گروه خاصی نیست، بلکه نهایتاً به ضرر کل جامعه تمام می‌شود و مانع از پیشرفت و تحول مثبت می‌شود. آوینی سپس به نقد دو نگرش اصلی در جامعه‌ی ما، یعنی نگرش‌های تحجری و تجددگرایانه می‌پردازد. او تحجر را نوعی جمود و قفل‌شدگی در برابر تغییرات فرهنگی و اجتماعی می‌داند. از دید آوینی، تحجر باعث می‌شود که فرد یا جامعه در برابر هرگونه نوآوری و پیشرفت مقاومت کرده و در نهایت به انزوا و عقب‌افتادگی دچار شود. از سوی دیگر، تجددگرایی را به‌عنوان پذیرش بی‌چون‌وچرای فرهنگ غربی و تضعیف ارزش‌های اسلامی معرفی می‌کند. آوینی معتقد است که هر دو این رویکردها، تحجر و تجدد، در نهایت به انحراف جامعه از مسیر اصلی و راستین خود منجر می‌شوند. او تأکید می‌کند که باید از افراط در هر یک از این دو رویکرد پرهیز کرد. در ادامه مقاله آوینی به‌طور مفصل مفهوم تحجر را بررسی کرده و آن را به‌عنوان نوعی انجماد

فکری و ایدئولوژیک معرفی می‌کند. به نظر او، تحجر باعث می‌شود که فرد یا جامعه در مقابل نوآوری‌های فرهنگی و اجتماعی مقاومت کرده و حتی هرگونه تغییرات و اصلاحات لازم را نپذیرد. در حقیقت، تحجر می‌تواند به‌عنوان نوعی «سنت‌گرایی منفی» در نظر گرفته شود که به جای حفظ اصول و ارزش‌های اصیل، منجر به انجماد تفکر و جلوگیری از پیشرفت می‌شود. آوینی این وضعیت را به‌عنوان یک آفت برای جامعه اسلامی می‌داند که باید از آن اجتناب کرد. در بخش بعدی، آوینی به تحلیل مفهوم تجدد و تأثیرات منفی آن بر جامعه اسلامی می‌پردازد. تجدد از دید آوینی، به‌عنوان پذیرفتن فرهنگ غربی و تضعیف اصول اسلامی و فرهنگی جامعه شناخته می‌شود. او معتقد است که در این رویکرد، ارزش‌های اسلامی و ملی نادیده گرفته شده و تحت‌الشعاع فرهنگ‌های بیگانه قرار می‌گیرند. آوینی می‌گوید که تجدد، اگر به‌درستی درک و پیاده‌سازی نشود، می‌تواند موجب از دست رفتن هویت فرهنگی و دینی جامعه و پذیرش دنیای مادی شود. این مسئله به‌ویژه در جوامع اسلامی که ریشه‌های فرهنگی و دینی عمیقی دارند، می‌تواند تهدید بزرگی به شمار آید. آوینی در این بخش به نقد «التقاط» بین تحجر و تجدد می‌پردازد. او این ترکیب را عامل انحراف در اندیشه و رفتار جامعه می‌داند. وقتی که برخی از افراد و گروه‌ها به‌طور هم‌زمان از برخی ویژگی‌های تحجری و برخی دیگر از ویژگی‌های تجددگرایانه بهره می‌برند، در واقع نوعی تناقض در افکار و رفتار خود ایجاد می‌کنند که به هیچ‌کدام از این دو رویکرد وفادار نمی‌مانند.



قدس، تکلیف ناتمام امت

سید حسین حسینی، دانشجوی هوشبری ۱۴۰۲

شهید آوینی در تحلیل‌های خود، جایگاه قدس را به‌عنوان نمادی از هویت اسلامی و محور بیداری امت اسلامی به‌روشنی مورد بررسی قرار می‌دهد. او باور دارد که قدس، به‌عنوان نخستین قبله مسلمانان و محلی مقدس، نه تنها به‌عنوان یک سرزمین سیاسی، بلکه به‌عنوان نمادی از هویت و آرمان‌های اسلامی، باید مورد توجه قرار گیرد. از دید آوینی، قدس تجلی‌دهنده روح مقاومت و فطرت آزادگی مسلمانان است که رمز بیداری و اتحاد امت اسلامی به شمار می‌آید. در این راستا، آوینی به موضوع مقاومت در برابر استکبار اشاره کرده و بر این نکته تأکید می‌کند که این مبارزه، ادامه راه عاشورا و قیام امام حسین علیه‌السلام است (راه قدس از کربلا می‌گذرد). او تصریح می‌کند که مبارزات مردم فلسطین، یمن، لبنان و دیگر کشورها در برابر قدرت‌های

جهانی و صهیونیسم، نشانه‌ای از این روح مقاومتی است که باید بر دوش مسلمانان قرار گیرد. این جبهه‌های مقاومت، بر اساس اصول عاشورایی، در عمل به مبارزه با ظلم و استبداد ادامه می‌دهند و به نوعی می‌توانند یادآور فرهنگ ایثار و فداکاری امام حسین علیه‌السلام باشند. «آنان را که از مرگ می‌ترسند، از کربلا می‌رانند.» این جمله شهید آوینی، نه صرفاً یک بیان ادبی، بلکه حقیقتی است که در سرتاسر تاریخ اسلام و مبارزات حق‌طلبانه تکرار شده است. کربلا یک مکتب است، برای آنان که ظلم را بر نمی‌تابند و در برابر جائران ساکت نمی‌نشینند. امروز فلسطین، یمن، لبنان و دیگر ملت‌های تحت ستم، در امتداد همان راهی گام برمی‌دارند که حسین بن علی علیه‌السلام و یارانش پیمودند. از دیدگاه آوینی، حمایت از مبارزان فلسطینی و

ارتش متحد اسلامی

◆ چکیده‌ای از مقاله شهید

شهید آوینی در این مقاله به ضرورت تشکیل یک نیروی نظامی متحد میان مسلمانان جهان برای مقابله با تهدیدات مشترک می‌پردازد. در ادامه، خلاصه‌ای از این مقاله ارائه می‌شود؛ شهید آوینی بیان می‌کند که مسلمانان سراسر جهان اکنون آمادگی دارند که برای عضویت در یک ارتش متحد اسلامی نام‌نویسی کنند و در گردان‌ها و لشکرهایی منظم سازمان یابند، زیرا تا هنگامی که صلیبی‌ها و نژادپرستان در کره زمین وجود دارند، احتمال باید داد که در هر جای دیگری از این سیاره، واقعه بوسنی هرزگوین تکرار شود. او تأکید می‌کند که تشکیل ارتش متحد اسلامی نه تنها به عنوان یک نیروی نظامی، بلکه به عنوان نمادی از همبستگی و وحدت مسلمانان در برابر تهدیدات جهانی ضروری است. شهید آوینی قواعد دیپلماسی بین‌المللی را که برای حفظ موازنه قوا در جهانی صورت گرفته است که آمریکا بر آن سیطره دارد، مورد نقد قرار می‌دهد و اشاره می‌کند که دیگران موظف هستند که نه تنها تسلیم این بازی بین‌المللی شوند، بلکه اصلاً به روی مبارک خویش نیز نیارند که این فقط یک بازی است. شهید آوینی بر این باور است که تا زمانی که ظلم و استکبار در جهان وجود دارد، مسلمانان باید در برابر آن مقاومت کنند و تشکیل ارتش متحد اسلامی می‌تواند ابزاری برای مقابله با این ظلم‌ها باشد. شهید آوینی اشاره می‌کند که مسلمانان سراسر جهان اکنون آمادگی دارند که برای عضویت در یک ارتش متحد اسلامی نام‌نویسی

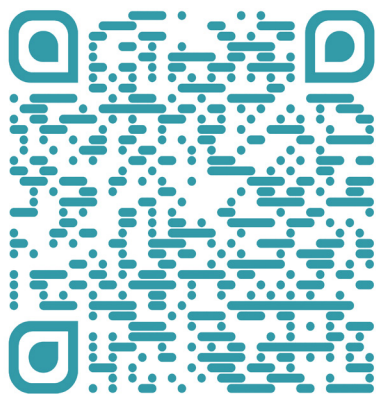
دیگر گروه‌های مقاومت، تنها یک سیاست خارجی نیست، بلکه تکلیفی دینی و اخلاقی است. او با استناد به آیات قرآن و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام، دفاع از مظلومان را وظیفه‌ی هر مسلمان می‌داندست و معتقد بود که سکوت در برابر اشغال قدس، خیانت به آرمان‌های اسلام است. از سوی دیگر، این مبارزه، تکلیفی انسانی است؛ چراکه دفاع از حقوق پایمال‌شده‌ی مردم مظلوم است. همچنین، از بعد ملی، حمایت از مقاومت، تضمین‌کننده‌ی امنیت و عزت ایران در برابر دشمنان است. شهید آوینی بارها تأکید می‌کند که زندگی در جبهه حق جز با مجاهدت ممکن نیست، و پیروزی نه در سازش، که در ایستادگی است. آنکه با ظلم کنار بیاید، خود نیز در نهایت قربانی خواهد شد. در نهایت، پیام آوینی در دعوت به همبستگی میان مسلمانان و تأکید بر لزوم اتحاد برای مقابله با ظلم و تجاوز، نشان‌دهنده عمق ابتکار و بصیرت وی در عرصه‌های مذهبی، انسانی و ملی است. او با نگاهی جامع به موضوع قدس و جبهه مقاومت، راه‌حل‌های عملی برای بیداری و تقویت هویت اسلامی ارائه می‌دهد و بر اهمیت وظایف مسلمانان در حمایت از یکدیگر تأکید می‌کند. امروز بیش از هر زمان دیگری، نیازمند درک پیام کربلا و جمله جاودانه شهید آوینی هستیم. آنان که از مرگ نمی‌هراسند، جاودانه می‌شوند. راه رستگاری در همان راهی است که شهدا پیموده‌اند: ایستادگی، ظلم‌ستیزی و مجاهدت در راه خدا. فلسطین امروز کربلای زمانه ماست، و آنکه در این نبرد سکوت کند، در صف یزیدیان ایستاده است.

کنند و در گردان‌ها و لشکرهایی منظم سازمان یابند، زیرا تا هنگامی که صلیبی‌ها و نژادپرستان در کره زمین وجود دارند، احتمال باید داد که در هر جای دیگری از این سیاره، واقعه بوسنی هرزگوین تکرار شود. او بر این نکته تأکید می‌کند که تنها با همبستگی و اتحاد، مسلمانان می‌توانند در برابر تهدیدات جهانی مقاومت کنند و امنیت و عزت خود را حفظ نمایند. در ادامه مقاله شهید آوینی به تهدیدات مشترک مسلمانان در جهان اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که تشکیل ارتش متحد اسلامی می‌تواند پاسخی به این تهدیدات باشد. در نهایت، او نتیجه می‌گیرد که تشکیل ارتش متحد اسلامی نه تنها به عنوان یک نیروی نظامی، بلکه به عنوان نمادی از همبستگی و وحدت مسلمانان در برابر تهدیدات جهانی ضروری است.

معرفی مستند

مستند «با دکتر جهاد در بشاگرد»، ساخته شهید سید مرتضی آوینی در اسفندماه ۱۳۵۹، روایتی تکان‌دهنده از محرومیت‌های منطقه‌ی بشاگرد در استان هرمزگان است. این مستند مربوط به سال‌های اوایل انقلاب است که ابتدا با تصاویری از محرومیت‌های غذایی، دارویی و عدم امکانات اولیه‌ی روبرو هستیم که شاید برای شهرنشینان باورکردنی و قابل درک نباشد؛ یکی از تم‌های کلیدی و تأثیرگذار این مستند، مقایسه‌ی زندگی شهری و روستایی است؛ جایی که آوینی با هوشمندی، تضاد میان رفاه نسبی شهر و محرومیت روستا را نه فقط به تصویر، که به نقد می‌کشد. در پایان فیلم، این دو سبک زندگی با نگاه‌های متفاوت به حیات مادی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند

و تضاد آگاهانه‌ی میان غفلت شهرنشینان و محرومیت روستاییان، به شکلی دوچندان برجسته می‌شود. این اثر با به تصویر کشیدن تلاش‌های بی‌وقفه‌ی جهادگران جهاد سازندگی، عمق فقر و سختی‌های زندگی مردم این منطقه را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد چگونه این جوانان انقلابی با عشق و ایمان، برای بهبود شرایط زندگی هموطنان خود می‌کوشند. نریشن‌های تأثیرگذار آوینی، همراه با تصاویر بکر و واقعی، بیننده را به تأمل در فلسفه‌ی زندگی و عدالت‌خواهی فرا می‌خواند. این مستند را باید از جمله آثار آغازین دوره بلند مستندسازی آوینی نامید که با محوریت عدالت‌خواهی، معناگرایی در بستر روایتی هنری با تماشاگر خود روبرو می‌شود و بدون توسل به الگوهای خبری و پروپاگانداهای سیاسی و فرهنگی با متوسل شدن به قلب و روح تماشاگر و توسل به فطرت عمومی مردم تأثیر و تأکید خود را ابراز می‌کند به گونه‌ای که بعد از گذشت چهار دهه همچنان این مستند قابل تماشا و تحلیل است و نه تنها فراموش شدنی نیست بلکه می‌تواند جریان‌ساز و تأثیرگذار باشد شما می‌توانید با اسکن کیوارکد زیر، این مستند را تماشا کنید.



لینک دانلود مستند